

The Relationship between Ethical Governance and Preparatory Governance: A Conceptual Framework and an Operational Approach¹



Hassan Roshan¹ 

Mahdi Alizadeh² 

1. Assistant Professor, Department of Ethics and Education, Faculty of Philosophy and Ethics Baqir Al-Olum University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

elmvaamal@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Islam and Spirituality Studies, Ethics and Spirituality Research Institute, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

alizadeh111@gmail.com

Abstract

This article examines the deep relationship between the concepts of "ethical governance" and "preparatory governance for the reappearance of Imam Mahdi." The main research question is how a combined (ethical-preparatory) governance framework can accelerate the process of monotheistic education and strengthen Shia identity, and how the educated individuals, in turn, enable the realization and continuation of such governance. Using a documentary-analytical method and library-based data collection, the study found that moral character is a central component of Shia identity. The ideal governance in the Ahl al-Bayt culture is undoubtedly ethical governance based on monotheistic principles. This governance model is not only a fundamental

1. Roshan, H.; Alizadeh, M. (1404). The relationship between ethical governance and preparatory governance: A conceptual framework and an operational approach. *Mahdavi Society*, 6(1), pp.282-310.
<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72699.1120>

☑ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

☑ **Received:** 2025/02/03 • **Revised:** 2025/04/06 • **Accepted:** 2025/05/19 • **Available Online:** 2025/07/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



prerequisite for preparatory governance for the reappearance but also its actualization represents the most important step in preparing the ground for the reappearance. Monotheistic ethics, centered on concepts such as justice, responsibility toward God and creation, enjoining good and forbidding wrong, piety, and combating corruption, provide the necessary theoretical and practical framework for all efforts toward preparation. Preparatory governance for the reappearance requires creating a just, ethical, aware, and responsible society, achievable only under governance characterized by monotheistic ethics.


Keywords

Ethical governance, Preparatory governance for the reappearance, Monotheistic ethics, Justice, Islamic government, Shia ethics.



مناسبات حکمرانی اخلاقی و حکمرانی زمینه‌ساز: چارچوبی

مفهومی و رهیافتی عملیاتی^۱

حسن روشن^۱  مهدی علیزاده^۲ 

۱. استادیار، گروه اخلاق و تربیت، دانشکده فلسفه و اخلاق، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

elmvaamal@yahoo.com

۲. استادیار، گروه اسلام و مطالعات معنویت، پژوهشکده اخلاق و معنویت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

alizadeh111@gmail.com



چکیده

این مقاله به بررسی رابطه عمیق میان دو مفهوم «حکمرانی اخلاقی» و «حکمرانی زمینه‌ساز ظهور» می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با طراحی یک چارچوب حکمرانی تلفیقی (اخلاقی - زمینه‌ساز)، فرایند تربیت توحیدی و تقویت هویت شیعی را شتاب بخشید و چگونه این تربیت و هویت‌یافته‌شدگان، به نوبه خود، تحقق و تداوم چنین حکمرانی را ممکن می‌کنند. با استفاده از روش اسنادی - تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای، مشخص شد که منش اخلاقی از ارکان اصلی هویت تشیع است. حکمرانی مطلوب در فرهنگ اهل بیتی شیعیان بی‌تردید حکمرانی اخلاقی مبتنی بر اصول توحیدی است. این مدل حکمرانی نه تنها پیش‌نیاز اساسی برای تحقق حکمرانی زمینه‌ساز ظهور است، بلکه عینیت و تحقق عینی این حکمرانی، خود، مهم‌ترین گام در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور به شمار می‌آید. اخلاق توحیدی با محوریت مفاهیمی چون عدالت، مسئولیت‌پذیری در برابر

۲۸۴

جامعه‌نگاری

سال نهم، شماره اول، ۱۴۰۴

۱. روشن، حسن؛ علیزاده، مهدی. (۱۴۰۴). مناسبات حکمرانی اخلاقی و حکمرانی زمینه‌ساز: چارچوبی مفهومی و رهیافتی عملیاتی. جامعه‌مهدوی، ۶(۱)، صص ۲۸۲-۳۱۰.

<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72699.1120>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



خدا و خلق، امر به معروف و نهی از منکر، تقوا و مبارزه با فساد، چارچوب نظری و عملی لازم برای هر گونه تلاش در جهت زمینه سازی را فراهم می کند. حکمرانی زمینه ساز ظهور، مستلزم ایجاد جامعه‌ای عادل، اخلاق مدار، آگاه و مسئول است که تنها در سایه حکمرانی متخلق به اخلاق توحیدی قابل دستیابی است.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی اخلاقی، حکمرانی زمینه ساز ظهور، اخلاق توحیدی، عدالت، حکومت اسلامی، اخلاق شیعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یک اصل بنیادین در اندیشه شیعی آن است که دوران غیبت امام معصوم علیه السلام، به هیچ وجه به معنای تعطیلی یا تعلیق پروژه الهی حکمرانی بر زمین نیست، بلکه زمانه‌ای است برای آزمون، آماده‌سازی و زمینه‌چینی که در آن، جامعه مؤمن و نظام حکمرانی برخاسته از آن، نقش بی‌بدیلی در فرایند آماده‌سازی جهان برای طلوع خورشید مغرب در مشرق موعود ایفا می‌کنند. در کانون این منظومه فکری، دو مفهوم کلیدی و به هم پیوسته «حکمرانی اخلاقی» و «حکمرانی زمینه‌ساز» قرار دارد که تلفیق و تعامل آنها می‌تواند مسیر تحقق آرمان‌های توحیدی را در عصر حاضر هموار کند. محور اصلی این تحقیق پرداختن به فاصله قابل تأمل میان نظریه‌پردازی‌های عمیق و غنی کلامی و فلسفی در حوزه مهدویت و حکومت اسلامی در عصر غیبت از یک سو، و فقر الگوهای عملیاتی، راهبردهای اجرایی و چارچوب‌های مدیریتی قابل پیاده‌سازی برای تحقق عینی این آرمان‌ها در دنیای پیچیده امروز از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، اگرچه منابع دینی و میراث عظیم علمای شیعه، چراغ‌هایی فروزان برای ترسیم غایت حکمرانی مطلوب هستند، تبدیل این نور به نقشه راهی روشن برای سیاست‌گذاران، مدیران و نهادهای فرهنگی - اجتماعی در عرصه عمل، نیازمند واکاوی عمیق است که این پژوهش به این هدف می‌پردازد. این خلأ باعث شده است تا در بسیاری از جوامع شیعی، حکمرانی به ورطه سکولاریزم عملی سقوط کند و از آرمان‌های دینی فاصله گیرد، و در همین شرایط، اندیشه والای مهدوی باوری تنها در حیطه‌ای انتزاعی و بی‌ربط با مدیریت روزمره جامعه باقی بماند.

این نوشتار به دنبال ترکیب هوشمندانه و همه‌جانبه حکمرانی اخلاقی و حکمرانی زمینه‌ساز است. یک نظام حکمرانی صرفاً اخلاقی اما منفعل و بدون چشم‌انداز جهانی، ممکن است به آرمان‌شهری کوچک و محدود رضایت دهد، و یک حکمرانی صرفاً زمینه‌ساز اما فاقد مبانی اخلاقی توحیدی ریشه‌دار، ممکن است به ورطه اقدام‌های صوری و عوام‌فریبانه بیفتد یا حتی مسیر را منحرف کند. این ترکیب متعالی، خودبه‌خود بستر ساز تحقق «حیات طیبه» و شکل‌گیری «جامعه موحد» در همین عصر غیبت خواهد بود؛

جامعه‌ای که در آن، هم «عدالت انفسی» یعنی عدالت اخلاقی درونی در افراد محقق می‌شود و هم «عدالت آفاقی» در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و قضایی نمود می‌یابد. در دهه اخیر، با توجه به ضرورت بازاندیشی در مفاهیم نوین علوم انسانی با رویکرد دینی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی با تمرکز بر کلان‌پروژه‌های علمی، به‌ویژه در عرصه حکمرانی اسلامی، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تولید ادبیات علمی و ایجاد گفتمان آکادمیک سامان داده است. برگزاری سلسله نشست‌هایی با عنوان «حکمرانی زمینه‌ساز» و نیز تشکیل «مدرسه حکمرانی اسلامی» با حضور استادان برجسته، بستری برای تبیین ابعاد گوناگون حکمرانی در افق اندیشه دینی فراهم آورده است. این تلاش‌ها نه تنها زمینه‌ساز طرح ایده‌های نوین و تعامل علمی میان مراکز دانشگاهی کشور شده، بلکه مسیر روشنی برای پیوند مباحث نظری با دغدغه‌های تمدنی و آینده‌نگرانه فراهم کرده است. در این چارچوب، یکی از محورهای اساسی در نظریه‌پردازی درباره حکمرانی اسلامی، توجه به نسبت میان «حکمرانی اخلاقی» و «حکمرانی زمینه‌ساز» است، به‌ویژه در منظومه فکری تشیع که غایت نهایی حکومت‌داری را تحقق توحید و استقرار عدالت در پرتو ظهور منجی موعود عجله الله فرجه می‌داند. از این منظر، حکمرانی مطلوب نه تنها باید بر ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های اسلامی استوار باشد، بلکه باید نقش آفرین در فرایند تحقق حکومت جهانی عدل مهدوی نیز تلقی شود؛ از این رو تبیین پیوند مفهومی و کارکردی این دو گونه حکمرانی، به‌مثابه بخشی از نظریه حکمرانی مهدوی، ضرورتی نظری و تمدنی است.

این پژوهش با آگاهی از ضرورت و فوریت پرداختن به این مسائل، و با الهام از میراث گران‌قدر علمای شیعه که بر جنبه‌های حیات‌بخش عدالت و مهدویت تأکید داشتند، و البته با اتکای اصلی بر قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام می‌کوشد با روشی اسنادی - تحلیلی، گامی در راستای ارائه یک چارچوب مفهومی و عملیاتی بردارد که بتواند راهنمای عمل برای نهادهای حاکمیتی، فرهنگی و آموزشی در جوامع شیعی باشد تا بتوانند در مسیر زمینه‌سازی ظهور گام بردارند.

پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با طراحی یک چارچوب

حکمرانی تلفیقی (اخلاقی - زمینه‌ساز)، فرایند تربیت توحیدی و تقویت هویت شیعی را شتاب بخشید و چگونه این تربیت و هویت یافته‌شدگان، به نوبه خود، تحقق و تداوم چنین حکمرانی را ممکن می‌سازند؟ در این راستا، پرسش‌های فرعی ذیل پاسخ داده می‌شوند: (۱) نقش اخلاق در تربیت یاران مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور چیست؟ (۲) حکمرانی اخلاقی در جامعه زمینه ساز ظهور دارای چه ویژگی‌هایی است؟ (۳) ابعاد و الزامات حکمرانی اخلاقی در جامعه زمینه‌ساز ظهور چیست؟ (۴) وظایف حکومت و مردم در تحقق جامعه منتظر مهدوی چیست؟ (۵) آسیب‌ها و موانع اخلاق سکولار و اومانیزم در مسیر نیل به حکمرانی اخلاقی توحیدی و زمینه‌سازی ظهور کدام‌اند؟

برای پاسخ به پرسش پژوهش حاضر، از روش پژوهش اسنادی، و برای گردآوری داده‌ها، از روش مطالعه کتابخانه‌ای با بررسی کتاب‌های مرجع، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و مجلات معتبر داخلی و خارجی استفاده شد. در پژوهش اسنادی، محقق از اسناد شخصی و رسمی به مثابه منبع استفاده می‌کند (Lincoln & Guba, 1985). این روش مستلزم جست‌وجویی توصیفی - تفسیری است و پژوهشگر به جای فهم مقاصد و مفاهیم نهفته در یک متن، آن را به مثابه زبان و گفتمان نوشتاری نویسنده می‌پذیرد و مورد استناد قرار می‌دهد (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ص ۶۹). تحقیق اسنادی اغلب توسط دانشمندان علوم اجتماعی برای ارزیابی مجموعه‌ای از اسناد از نظر ارزش تاریخی یا اجتماعی، یا برای خلق روایتی بزرگ‌تر از طریق مطالعه اسناد پرشمار مرتبط با یک رویداد یا فرد انجام می‌شود (Scott & Marshall, 2015).

۱. مفاهیم و کلیات

۱-۱. حکمرانی

تعاریف پرشماری برای حکمرانی بیان شده است. در یک تعریف، حکمرانی به فرایندی اشاره دارد که به سبب آن، جوامع یا سازمان‌ها، تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ می‌کنند (Graham, 2003, p. 1). حکمرانی به معنای عبور از نسخه ساده حکومت به نسخه‌ای پیشرفته و جامع‌نگر است که همه ذی‌نفعان و اجزای جامعه را می‌بیند و برای آنها ارزش و اعتبار

قائل می‌شود. به گفته فوکویاما، «حکمرانی خوب شامل توانایی نهادهای دولتی برای تدوین و اجرای سیاست‌های خوب، و احترام به شهروندان و نهادهای جامعه است» (Fukuyama, 2016, p. 64). به بیان برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰، «حکمرانی توسعه‌گرا نیازمند همکاری سه‌جانبه بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است» (United Nations Development Programme, 2000, pp. 1-2). وظیفه حکمرانی مطلوب این است که برای هر یک از این اجزا نقشه راه مشخصی تدوین کند، آنها را به‌درستی جایابی نماید و نقش‌ها را به‌طور متوازن توزیع کند. این فرایند به یک طراحی اخلاقی فراگیر نیازمند است که نه تنها افراد، بلکه ساختارها، فرایندها، انتصابات و سازوکارها را نیز در بر گیرد. به بیانی دیگر، دولت باید مجری احکام و آموزه‌های اسلامی باشد: «آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۱/۱۶).

۲-۱. حکمرانی اخلاقی

یکی از گونه‌های حکمرانی، حکمرانی اخلاقی است و به فرایندها و رویکردهایی اشاره دارد که با استفاده از معیارهای اخلاقی در حکمرانی، بر مدیریت و اداره بر مبنای این معیارها تأکید دارند. از پیامدهای مثبت حکمرانی اخلاقی، پیدایش روحیه و انگیزه اخلاقی در محیط کاری است (حسین‌پور و مسعودی، ۱۴۰۲، ص ۵۹). در این پژوهش، حکمرانی اخلاقی به معنای نظامی از مدیریت جامعه است که غایت و مسیر آن، بر پایه ارزش‌های اصیل توحیدی همچون عدالت، صداقت، امانت‌داری، مردم‌داری و تقوا استوار شده است و می‌کوشد تا فضیلت‌های اخلاقی را در همه سطوح حکمرانی و زندگی اجتماعی نهادینه کند. این نوع حکمرانی، خود را به رعایت حدود الهی مقید می‌داند و سعادت دنیوی و اخروی انسان را توأمان هدف گرفته است.

۳-۱. حکمرانی زمینه‌ساز ظهور

حکمرانی زمینه‌ساز ظهور در این پژوهش به رویکردی فعال و پویا اشاره دارد که

فراتر از حفظ وضع موجود، با شناسایی و زدودن موانع ظهور و همچنین ایجاد و تقویت بسترهای عینی و ذهنی لازم در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، جامعه را به سوی شرایط مطلوب برای قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام سوق می‌دهد.

۱-۴. تربیت توحیدی و تقویت هویت شیعی

اسلام، آیین توحید و روح حاکم بر همه آیات قرآن، توحید است. تربیت توحیدی به معنای فراهم سازی همه زمینه‌های شکوفایی فطرت توحیدی انسان است که در عمل عبادی او متجلی می‌شود. به عبارتی دیگر، هدف از تربیت از منظر اسلام، تثبیت توحید در اندیشه، احساس و رفتار است (علم‌الهدی، ۱۳۸۳، ص ۸۴). در این پژوهش، مراد از تربیت توحیدی فرایندی است که باور به خداوند یکتا، و عبودیت در برابر او را از یک شعار نظری به یک نیروی محرکه درونی در وجود انسان‌ها تبدیل می‌کند و انگیزه‌ای قوی برای عمل صالح، عدالت‌خواهی و زمینه سازی ایجاد می‌نماید. از سویی، تقویت هویت شیعی اصیل که هویتی انقلابی، منتظر و مسئولیت‌پذیر است، جامعه را در برابر تهاجم فرهنگی و انحرافات فکری مصون می‌دارد و سرمایه اجتماعی لازم برای پیشبرد پروژه بزرگ زمینه‌سازی را فراهم می‌آورد.

۲. نقش زیرساختی اخلاق در تربیت یاران مهدوی

در منظومه فکری شیعه، انتظار فرج مفهومی فعال و سازنده است که مستلزم آمادگی همه‌جانبه فردی و اجتماعی برای ظهور امام عصر علیه السلام است. یکی از ارکان اصلی این آمادگی، تربیت یارانی است که واجد صلاحیت‌های لازم برای همراهی با آن حضرت باشند. روایات فراوانی از ائمه اطهار علیهم السلام به تبیین ویژگی‌ها و الزامات منتظران واقعی و یاران خاص حضرت حجت علیه السلام پرداخته‌اند. این روایات را می‌توان در چند محور کلی دسته‌بندی کرد:

نخست، روایاتی که به آمادگی‌های عینی و سخت‌افزاری مانند توانایی نظامی و تجهیزات اشاره دارند؛ همان‌طور که در غیبت نعمانی آمده است (نعمانی، ۱۳۹۷، ح ۱، ص ۲۹).

دوم، روایاتی که بر وفاداری به عهد و پیمان با اهل بیت علیهم‌السلام تأکید می‌کنند که در توفیق شریف ناحیه مقدسه نیز بر آن تصریح شده است: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید که فرج من فرج شما نیز هست» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۵). سوم، و مهم‌تر از همه، روایاتی که به صفات و ویژگی‌های اخلاقی یاران می‌پردازند و آنان را افرادی باایمان، خدانشناس، پرهیزکار، شجاع و مطیع محض امام معرفی می‌کنند (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، باب ۲، ح ۱-۱۳، صص ۱۷-۱۸). کتاب صفات الشیعه اثر شیخ صدوق، از جمله منابع اصیل و معتبر در زمینه تبیین ویژگی‌های شیعیان واقعی است. نویسنده در این اثر، ۷۱ روایت را از معصومین علیهم‌السلام گردآوری کرده است که همگی به بیان صفات مثبت و منفی منتسب به شیعیان می‌پردازند. تحلیل محتوای کمی این روایات، نتایج قابل تأملی را نشان می‌دهد: حدود هشت درصد از این روایات ناظر به «متشرع بودن» و رعایت احکام فرعی فقهی است. حدود بیست و دو درصد بر «سلامت اعتقادی» و مباحث اعتقادی تأکید دارند. حدود هفتاد درصد مضامین این احادیث به «فضایل اخلاقی» و «سجایای اخلاقی» اختصاص یافته است (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ابواب مختلف، صص ۱۷-۹۲). این آمار به روشنی نشان می‌دهد که دغدغه اصلی ائمه علیهم‌السلام در تربیت پیروان راستین، بیش از هر چیز، مسائل اخلاقی بوده است.

در مجموعه دیگری از روایات موسوم به «لیس منا»، همین موضوع با وضوح دیده می‌شود. مضمون اصلی در این خانواده حدیثی که از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام امتداد دارد، این است که چه کسانی پیروان واقعی اهل بیت هستند و چه کسانی چنین نیستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۳). تحلیل این احادیث نشان می‌دهد که عمده این صفات، رذایل اخلاقی مانند دروغ‌گویی، خیانت، بی‌حرمتی به هم‌سایه، ستمگری و بی‌وفایی به عهد هستند، نه تنها ترک واجبات فقهی یا جهل اعتقادی.

با استناد به یافته‌های بالا می‌توان ادعا کرد که پایبندی به اخلاق، یک امر فرعی و ثانوی نیست، بلکه شرط هویتی برای انتساب به تشیع راستین است. به عبارت دیگر، بدون تقویت فضایل اخلاقی، حتی ادعای شیعه‌بودن و انتظار فرج، ناقص و ناتمام خواهد

بود. این موضوع زمانی پررنگ‌تر می‌شود که هدف، تربیت یارانی برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد که در روایات، هم‌تراز یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر معرفی شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۲۲۳). نقش اخلاق، فراتر از تعاملات اجتماعی است و به عرصه توحید عملی نیز کشیده می‌شود. از یازده مرتبه توحید (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، صص ۱۷۶-۱۷۹)، شش مرتبه آن مانند توحید در توکل، توحید در حب و توحید در استعانت به‌طور مستقیم، به فضایل اخلاقی و باطنی وابسته است. سالکی که از اخلاق تهی باشد نمی‌تواند به مراتب عالی توحید عملی دست یابد و خود را به درجه یاری‌گری امام عصر عجل الله تعالی فرجه برساند. در نتیجه تربیت یاران مهدوی پروژه‌ای چندبعدی است که افزون بر تقویت بنیان‌های اعتقادی و التزام به احکام فقهی به سرمایه‌گذاری جدی بر تربیت اخلاقی نیازمند است.

۳. اخلاق و زمینه‌سازی در حکمرانی شیعی: تحلیل روابط متقابل

در بررسی مفهوم «جامعه زمینه‌ساز» از منظر اندیشه شیعی، یکی از اساسی‌ترین پرسش‌ها مربوط به نقش و جایگاه حکمرانی در جامعه‌ای است که در مسیر تحقق ارزش‌های توحیدی، عدالت، صداقت و عشق الهی گام برمی‌دارد. حکمرانی مطلوب در چنین جامعه‌ای باید واجد ویژگی‌های خاصی باشد تا بتواند به آرمان‌های تمدنی کمک کند؛ از این رو تبیین نسبت میان «حکمرانی زمینه‌ساز» و «حکمرانی اخلاقی» از اهمیت بنیادینی برخوردار است.

در منابع اسلامی، به‌ویژه در روایات شیعه و سنی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فلسفه بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» معرفی کرده‌اند. در روایتی که با الفاظ مختلف اما مضمون واحد نقل شده است، می‌فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به‌راستی من مبعوث گردیدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۰). یا «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ من تنها برای تکامل و تحقق مکارم اخلاق مبعوث شدم» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۶). با وجود تفاوت‌های جزئی در نقل الفاظ، مضمون این روایت نزد شیعه و سنی، مورد اتفاق است. این روایت، ما را به این پرسش هدایت می‌کند که اخلاق چگونه

می‌تواند به لحاظ گستره و شدت، به نقطه کمال خود برسد و اگر پیامبر ﷺ، هدف بعثت را «اتمام» آن معرفی کرده‌اند، این به چه معناست؟ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، اخلاق را بخشی از معارف فرعی اسلام و از دستورات خدا و رسول او می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱). ایشان در ذیل آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری» (قلم، ۴) می‌نویسد: «خُلُق به معنای ملکه نفسانی است که بر طبق آن ملکه، افعال بدنی از آن به آسانی سر می‌زند [...] خُلُق مفهومی عام دارد؛ یعنی هم فضیلت و هم رذیلت را شامل می‌شود؛ ولی اگر این واژه به صورت مطلق به کار رود، معمولاً از آن مفهوم فضیلت و خُلُق نیک فهمیده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۶۹). روشن شدن دو مفهوم «خُلُق» و «ملکه» نقش اساسی در فهم اخلاق فضیلت‌گرایانه دارد. علامه در توضیح بیشتر این دو مفهوم آورده است:

«خُلُق» یک صورت ادراکی است که در درون انسان جایگزین شده و در موقع مناسب، در درون انسان جلوه کرده، و او را به اراده و عمل وادار می‌کند. در اوایل زندگی که لوح درونی انسان، از این صفات پاک است، هیچ‌یک از این صفات ادراکی ثابت را ندارد و در نتیجه در هنگام عمل، وضعیت روشنی ندارد؛ مثلاً گاهی در برابر حوادث ناگوار و تهدیدکننده استقامت می‌ورزد، و گاهی فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۳۶).

در حدیث دیگری، ایمان به شاخه‌های پرشماری تشبیه شده است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «ایمان هفتادواندی شاخه است که برترین آنها قول «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است و کمترین آنها برداشتن چیزهای آزارنده از سر راه مردم؛ و حیا نیز شاخه‌ای از ایمان است (نوی، ۱۴۰۵، ص ۳۱۸؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۳۱؛ قشیری نیشابوری، ۲۰۱۹م، ج ۱، ص ۶۳، با اندکی تفاوت). بنابراین زمینه انجام اعمال صالح برای همه وجود دارد و این کار به ابزار و امکانات خاصی نیاز ندارد تا در انحصار گروه خاصی درآید. در نتیجه همه انسان‌ها در معرض سقوط به اسفل‌السافلین هستند، مگر کسانی که بذریمان را در زمین دل‌کاشته، و آن را با اعمال صالح رشد داده‌اند، و خود و دیگران از میوه‌های آن بهره‌مند می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۱). علما بر اساس این روایت، آثاری با عنوان شعب الإیمان

تألیف کرده‌اند که در آنها ایمان به درختی تشبیه شده است که میوه‌ها و شاخه‌هایش، همگی از جنس فضایل اخلاقی هستند. شیخ کلینی در کافی که می‌توان آن را مانیفست معارف شیعی دانست، مباحث اخلاقی را ذیل «کتاب الایمان و الکفر» قرار داده که نشان‌دهنده پیوند ناگسسته‌ی اخلاق و ایمان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۲-۴۳۴). شهید مطهری نیز ایمان را پشتوانه‌ی اخلاق و زیربنای همه‌ی اصول اخلاقی، و هر اندیشه‌ی معنوی را ایمان مذهبی یعنی ایمان و اعتقاد به خدا می‌داند (مطهری، ۱۳۸۹ق، ج ۲۳، صص ۷۶۱-۷۶۲). اگر مدرسه‌ی اهل‌بیت علیهم‌السلام حامل و مفسر ایمان صحیح اسلامی است، هویت شیعی باید برای به‌کمال‌رساندن اخلاق، برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشد.

از سوی دیگر، جامعه می‌تواند بستری برای رشد و ارتقای ظرفیت‌های اخلاقی یا برعکس، تنزل آنها باشد. انسان از دیدگاه فلسفه‌ی اسلامی، موجودی «مدنی بالطبع» است که در بستر جامعه رشد می‌کند و به کمال حقیقی می‌رسد. در اصطلاح فلاسفه‌ی اسلامی، «مدنی» منسوب به مدینه و کنایه از اجتماع بشری است (طوسی، ۱۳۷۵ق، ج ۴، ص ۶۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۸۴۴؛ لاهیجی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۶۰). ابن‌سینا اجتماع و تمدن مطلوب بشری را تنها ناشی از نیاز افراد بشر به یکدیگر می‌داند، و زندگی گروه‌های پراکنده‌ی انسانی را که از هیچ قانون شهری پیروی نمی‌کنند، به دور از شباهت به زندگی انسانی معرفی می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۷۹ق، ص ۷۰۹). روایات تأکید دارند که برای رسیدن به مراتب بالای کمال، انسان باید به اجتماعات انسانی پیشرفته‌تر و پرظرفیت‌تر (مانند شهرها) وارد شود؛ زیرا ظرفیت‌های بالاتر انسانی، امکان تحقق بهتر خصایص «مدنی بالطبع» بودن او را فراهم می‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، باب ۲۷، صص ۱۵۶ به بعد).

نکته مهم درباره‌ی اجتماعی‌بودن انسان، آن است که رابطه‌ی انسان و جامعه، رابطه‌ی ظرف و مظلوف است. اگر انسان در ظرفی آلوده به رذایل و معنویت‌ستیز قرار گیرد، ناگزیر از آن تأثیر می‌پذیرد. امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم، به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۸) که نشان‌دهنده تأثیر عمیق حکمرانی بر شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه است. در ضرب‌المثل مشهوری نیز آمده است: «النَّاسُ عَلَي دِينِ مُلُوكِهِمْ؛ مردم همان‌گونه هستند

که امیرشان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۸۴). این مضامین هشدار می‌دهند همان‌گونه که جسمی در نمکزار می‌افتد و ماهیتش تغییر می‌کند، افراد نیز در بستری اجتماعی که آکنده از رذایل است، دگرگون می‌شوند و نمی‌توانند به رشد معنوی و اخلاقی اصیل دست یابند. بنابراین نمی‌توان از جامعه‌ای که ساختارهای آن رذیلت‌پرور و معنویت‌ستیز است، انتظار تربیت انسان‌های کمال‌طلب و موحد راستین داشت. جامعه تنها مجموعه‌ای از آحاد افراد نیست، بلکه از «زیرسیستم‌ها»، «نهاده‌ها»، «ساختارها»، «فرایندها» و «سازوکارهای رسمی» تشکیل می‌شود. این اجزا باید به گونه‌ای طراحی شوند که واجد «معماری اخلاقی» باشند. تا زمانی که این ابعاد جامعه فاقد جهت‌گیری اخلاقی باشند نمی‌توان از آن جامعه انتظار داشت که انسان‌های اخلاقی و معنوی تربیت کند و به سطوح بلند اخلاق جمعی برسد. از این منظر، مفهوم «حکمرانی» فراتر از معنای سنتی «حکومت» و «حاکمیت» قرار می‌گیرد. حکمرانی اخلاقی در جامعه زمینه‌ساز باید بتواند حداکثر ظرفیت اخلاقی جامعه را فعال کند؛ چنین حکمرانی‌ای بستر ساز تحقق جامعه‌ای خواهد بود که آمادگی پذیرش ظهور منجی موعود علیه السلام را دارد. بدون چنین رویکردی نمی‌توان امید داشت که جامعه بتواند نقش خود را به مثابه «جامعه زمینه‌ساز» به درستی ایفا کند و به آرمان‌های تمدنی خود دست یابد.

۴. ابعاد و الزامات حکمرانی اخلاقی

حکمرانی اخلاقی به مثابه پارادایمی جامع که در آن اصول اخلاقی در همه سطوح و ابعاد نظام اجتماعی نهادینه می‌شود، به بازتعریف مفاهیم بنیادین و طراحی سازوکارهای عملیاتی نیازمند است. در این راستا، باید به این نکته اساسی توجه داشت که تحقق حکمرانی اخلاقی تنها از طریق تربیت افراد اخلاقی میسر نیست، بلکه مستلزم طراحی و استقرار نظام‌های اخلاقی در همه زیرساخت‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، اخلاق سیستمی باید جایگزین نگاه صرفاً فردگرایانه به اخلاق شود.

برای تبیین عملیاتی این مفهوم می‌توان از مثال عینی نظام سلامت بهره برد. آیا نظام بهداشت و درمان یک جامعه تنها با اخلاقی بودن مدیران و کارکنان آن، نظامی اخلاقی

خواهد بود؟ پاسخ روشن است که چنین نیست. در حوزه «اخلاق کاربردی و حرفه‌ای» مفهومی با عنوان «بیمارستان اخلاقی» مطرح است. بیمارستان اخلاقی فقط به معنای اخلاقی بودن کادر درمان نیست. اگر محیط فیزیکی بیمارستان، استانداردهای اخلاقی را رعایت نکند، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها غیر اخلاقی تدوین شده باشند، انتصابات غیر شایسته و ناعادلانه انجام شود و فرایندها غیر اخلاقی باشند، در نهایت، با وجود کارکنان خوب، این نظام سلامت، اخلاقی نخواهد بود؛ برای مثال اگر بیماری نیمه‌شب به اورژانس آورده شود و نیاز فوری به عمل داشته باشد؛ اما خانواده‌اش توان پرداخت کل هزینه را نداشته باشد، کارمند ثبت‌نام - هر قدر هم دلسوز و باادب - ناچار است طبق بخشنامه، از پذیرش امتناع کند. احترام و همدلی فردی او نمی‌تواند مشکل ساختار غیر اخلاقی را حل کند. همچنین در شرایط پاندمی، معماری نامناسب محیط‌های درمانی، مانند اتاق انتظار با تهویه ضعیف و تراکم بالا، به‌طور مستقیم عاملی تشدید کننده برای وخامت حال مراجعان خواهد بود. از فضای فیزیکی تا آیین‌نامه‌ها و انتصابات، همگی باید با نگاه اخلاقی طراحی و اداره شوند.

نمونه دیگر این رویکرد را می‌توان در تدوین «سند ملی اخلاق کشاورزی و غذای کشور» مشاهده کرد. از آنجا که کشاورزی تأمین کننده نیاز جامعه و کالاهای اساسی است، هرگونه اختلال حتی کوتاه مدت در این زنجیره، به سرعت به بی‌نظمی و آشوب منجر خواهد شد. مسئولیت اخلاقی در این حوزه از منابع طبیعی نظیر حفاظت از آب، خاک، هوا؛ آب‌خوان‌داری، آب‌خیزداری و کنترل فرسایش خاک؛ آموزش و ترویج کشاورزی؛ بهبود بذر، کود، دفع آفات آغاز می‌شود و سپس به صنایع فرآوری و تبدیلی؛ بسته‌بندی؛ حمل‌ونقل، انبارداری؛ توزیع خرد و کلان با نرخ‌گذاری عادلانه؛ رعایت استانداردهای سلامت و بهداشت؛ مدیریت ضایعات و پسماند پس از مصرف ختم می‌شود. در همه این زنجیره، پروتکل‌ها و راهبردهای اخلاقی باید طراحی و اجرا شوند.

اصل بنیادین در تحقق حکمرانی اخلاقی، ضرورت ضمانت اجرا برای پروتکل‌های اخلاقی است؛ از این رو در حوزه پزشکی که حساسیت بالایی دارد، نخستین کمیته‌های

اخلاق حرفه‌ای در بیمارستان‌ها شکل گرفتند تا حقوق درمان‌جویان رعایت شود. این کمیته‌ها با ترکیبی از تخصص‌های مختلف، وظیفه نظارت، هدایت و ارزیابی اخلاقی را بر عهده دارند. اهداف اصلی این کمیته‌ها، ارتقای کیفیت مراقبت از بیماران، با تقویت اخلاق حرفه‌ای ارائه‌دهندگان خدمت و نظارت بر عملکرد بالینی اخلاقی است (حاجی‌بابایی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱).

یکی از چالش‌های مهم در اجرای حکمرانی اخلاقی، آگاهی و اطلاعات در باره روند اجرای اصول اخلاقی است. پژوهشگران و مدیران، به‌ویژه کسانی که تجربه کمتری در این زمینه دارند، ممکن است از جزئیات و الزامات فرایند اجرای اصول اخلاقی بی‌اطلاع باشند. این مسئله می‌تواند باعث تأخیر در اجرای صحیح پروتکل‌های اخلاقی شود. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی مناسبی برای آشنایی مدیران و اعضای کمیته‌های اخلاق، و پژوهشگران با اصول اخلاقی، تدوین و اجرا شود (حاجی‌بابایی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۱۷).

۵. وظایف حکومت و مردم در تحقق جامعه منتظر مهدوی

در تفکر شیعی، انتظار موعود به مثابه یک اصل مسلم اعتقادی مطرح است و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم‌السلام تصریح شده است، از جمله می‌توان به روایتی در توقیع شریف ناحیه مقدسه اشاره کرد: «برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید که فرج من فرج شما نیز هست» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۸۴). بر این اساس، در اندیشه سیاسی شیعه، جامعه منتظر به جامعه‌ای گفته شده است که «در سیر تاریخی و حرکت اجتماعی خود چشم‌اندازی را ترسیم کند که به سمت حاکمیت الهی و ارزش‌های انسانی قدم برداشته و برای تحقق آن برنامه‌ریزی و اقدام کند» (گنج‌خانی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۴). تحقق چنین جامعه‌ای مستلزم انجام وظایف متقابل از سوی حاکمان و مردم است. مشارکت مردم در تشکیل و اداره این جامعه، از جمله وظایف مردم است (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۶/۲۱).

۵-۱. وظایف حاکمیت در قبال مردم

امام علی علیه السلام کارگزار خویش را موظف به وظایفی ساخته است، از جمله آنها می‌توان به رفتار خیرخواهانه و محبت‌آمیز با مردم اشاره کرد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). ایشان بر لزوم دوری از منت‌گذاری (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۶۱۱) و در دسترس بودن حاکم و پاسخگویی به مردم تصریح می‌کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این توصیه‌ها نشان‌دهنده ضرورت ایجاد فضای امن برای بیان انتقادات و مشورت با صاحبان خرد است. در بعد مشورت‌پذیری، امام علی علیه السلام درباره استبداد رأی هشدار می‌دهند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). امام در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه با دسته‌بندی مردم به دو دست؛ برادر دینی و همانندی آنها در آفرینش، مهم‌ترین حقوق شهروندی را برای حاکم جامعه برمی‌شمرد. نقدپذیری و استقبال از انتقاد نیز در روایات مورد تأکید قرار گرفته است؛ برای مثال امام رضا علیه السلام پیامد ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه را تسلط فاسقان و عدم استجابت دعا خواندند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۹۴).

در حوزه اداره کشور، نگاه به مدیریت به مثابه مسئولیت الهی ضروری است. پذیرش مسئولیت تنها با داشتن تخصص از اصول مهم حکمرانی است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که عهده‌دار یکی از امور مسلمانان شود و فردی را سرپرست کاری کند، با اینکه می‌تواند کسی را که برای مسلمانان بهتر از او باشد بیابد، به خدا و رسولش خیانت کرده است» (بیهقی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۱). شفافیت و مبارزه با فساد از دیگر ارکان حکمرانی اخلاقی است. امام علی علیه السلام در زمینه مبارزه با فساد در دستگاه قضایی، ملاک‌هایی نظیر سعه صدر، پرهیز از خشم و کج خلقی و پافشاری در اشتباهات و تمایل به طمع، عدم اکتفا به تحقیق اندک، احتیاط در شبهات، صبر و شکیبایی را برای قضات برشمردند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۵-۲. وظایف مردم در جامعه منتظر

از سوی دیگر، مردم نیز در جامعه منتظر در قبال حکومت وظایفی دارند. یکی از این وظایف، مجاهده اخلاقی است که از طریق ترک گناهان و خودسازی اخلاقی میسر

می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس شادمان می‌شود از اینکه از یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار کند، و او منتظر [واقعی] است» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰). همچنین امام صادق فرمود: «یقین برای صاحب این امر غیبتی است. پس بنده خدا باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند» (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۲). یکی از وظایف مهم مردم در جامعه منتظر، داشتن روحیه نظارت همگانی در سطح جامعه است. هر فردی باید در برابر آحاد جامعه اسلامی احساس مسئولیت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر یک از شما منکری را دید، باید با دست خود آن را تغییر دهد. اگر نتوانست، با زبانش تغییر دهد (اعتراض کند) و باز اگر نتوانست، در قلبش آن را انکار کند و این ضعیف‌ترین مرحله ایمان است» (قوام‌السنه، بی‌تا، ج ۳، ح ۱، ص ۲۲۳). همدلی و همراهی با مسئولان از دیگر وظایف مردم است که امام علی علیه السلام به آن اشاره کرده‌اند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۶). انضباط‌پذیری اجتماعی نیز ضروری است. امام علیه السلام بر ضرورت انجام اعمال واجب، رعایت حدود و عدم تجاوز از آنها تأکید کرده‌اند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۵). مشارکت در اجرای سیاست‌ها و قانون‌پذیری از اصول مهم است: «الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْمَاءِ وَالْكَلَاءِ وَ النَّارِ؛ مسلمانان در سه چیز شریک‌اند: آب، مرتع، آتش (مواد سوختی)» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ح ۹۶۳۴). در نهایت مسئولیت‌پذیری در تبلیغ فرهنگ انتظار این چنین مورد تأکید امام رضا علیه السلام قرار گرفته است: «خداوند رحمت کند آن بنده‌ای را که امر ما را زنده کند! گفتم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود: علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد که اگر مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۴۱).

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که تحقق جامعه منتظر مهدوی در گرو انجام وظایف متقابل و تکامل یافته حکومت و مردم است. از یک سو، حاکمیت با به کارگیری مدیران شایسته، پایبندی به اخلاق حکمرانی، مبارزه با فساد، نقد‌پذیری و تأمین عدالت اجتماعی، مسئولیت زمینه‌سازی عینی را بر عهده دارد. از سوی دیگر، مردم با مجاهده اخلاقی، نظارت همگانی، قانون‌پذیری، مشارکت سازنده و ترویج فرهنگ انتظار اصیل، بستر فرهنگی و اجتماعی لازم را فراهم می‌کنند. این تعامل دوسویه و مسئولیت‌پذیری

مشترک، نه تنها جامعه را برای ظهور آماده می‌سازد، بلکه خود تجلی‌بخش حکومت عدل مهدوی در دوران غیبت است.

۶. حکمرانی توحیدی: راه‌هایی از اخلاق سکولار و زمینه‌سازی ظهور

۱-۶. نقد بر منشورهای اخلاقی از منظر فرهنگ‌های غیرغربی

یکی از نقدهای اساسی به رویکرد منشورنویسانه در زمینه اخلاق، خاستگاه فرهنگی و جهان‌بینی حاکم بر آن است. بر اساس دیدگاه اندیشمندان آسیای شرقی و جنوبی، از جمله پژوهشگران هندی، پاکستانی و ژاپنی، منشورهای اخلاقی طراحی شده با الگوگیری از نظام‌های غربی، نه تنها پاسخگوی نیازهای فرهنگی و معنوی جوامع شرقی نیستند، بلکه ممکن است تبعاتی منفی نیز به دنبال داشته باشند؛ برای مثال مفهوم دارما بر پیوندهای بین روش‌های زندگی، روش‌های دیدن و روش‌های ارتباط با مسائل نهایی زندگی تأکید می‌کند و به مثابه یک مفهوم اخلاقی، به طور اجتناب‌ناپذیری از نظر معنایی بافتاری است (در تقابل با آنچه که ممکن است خوانش کانتی یا مطلق‌گرایانه از الزامات اخلاقی باشد) (Lipner, 2019, p. 213).

دومین نقد آن است که این منشورها نوعی وسواس اخلاقی حداکثری در افراد ایجاد می‌کنند. کنش‌گران اجتماعی یا دچار الزام افراطی در رعایت جزئی‌ترین دستورالعمل‌های اخلاقی می‌شوند، یا اینکه در برابر آنها احساس بیگانگی می‌کنند و از پذیرش آنها سر باز می‌زنند. این دوگانگی رفتاری ناشی از عدم تطابق این منشورها با ارزش‌های بومی و فرهنگی این جوامع است.

سومین نقد وارد بر این نظام آن است که منشورهای ذکرشده عملاً از اخلاق فاصله گرفته‌اند و به حوزه حقوق نزدیک شده‌اند. این امر سبب می‌شود که اخلاق نه تنها به مثابه عرصه‌ای درونی، بلکه به مثابه نظامی متکی بر ضمانت‌های بیرونی تلقی گردد (MacIntyre, 2007). پیامد این امر، تبدیل اخلاق به مجموعه‌ای از قوانین خشک و بی‌روح است که فاقد جنبه‌های تربیتی و معنوی لازم برای تأثیرگذاری عمیق بر رفتار انسان است.

۶-۲. ناکارآمدی آموزه عدالت اومانیستی به مثابه علت غایی حکمرانی

عدالت به مثابه مبنای اصلی اخلاق و حقوق، اگرچه ضرورتی انکارناپذیر دارد، به تنهایی نمی تواند ضامن تحقق جامعه ای اخلاقی و انسانی باشد. شواهد تاریخی معاصر، از جمله عملکرد نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد نشان داده اند که صرف اتکا به عدالت و حقوق، مانع بروز فجایع انسانی نظیر کشتار بی گناهان در جنگ ها و بحران های بین المللی نشده است. این ناکارآمدی گواه آن است که حلقه ای مفقوده در این منظومه وجود دارد. به نظر می رسد توجه به مفهومی پیشینی تر از عدالت یعنی بنیان های معنوی و درونی اخلاق، ضرورتی است که تاکنون در طراحی سیاست های کلان اخلاقی و حقوقی مغفول مانده است. درحقیقت عدالت بدون پشتوانه اخلاقی و معنوی، به ابزاری خشک و بی روح تبدیل می شود که نمی تواند پاسخگوی نیازهای عمیق انسانی باشد. به عقیده شهید مطهری، «چیزی که پشتوانه اخلاق و عدالت است و اگر در انسان وجود پیدا کند، انسان به سهولت راه اخلاق و عدالت را در پیش می گیرد و سود را کنار می زند، تنها ایمان است [...] ایمان مذهبی که آمد، اخلاق و عدالت هم می آید» (مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۸۱).

۶-۳. جایگزینی اخلاق معنویت بنیاد به جای اخلاق سکولار

پاسخ به نقدهای وارد بر منشورهای اخلاقی در قالب ارائه الگویی جایگزین با عنوان «اخلاق معنویت پایه» تبیین شده است. این نوع اخلاق، برخاسته از سنت اسلامی و آموزه های قرآنی است و در تقابل با اخلاق سکولار قرار دارد. اخلاق معنویت پایه نه تنها با نظام حقوقی تفاوت ماهوی دارد، بلکه بر منش و فضیلت های درونی تأکید دارد و در بستر حیات طیبه توحیدی رشد می یابد. در این چارچوب، ضمانت های اجرایی درونی و التزام های فردی به مثابه رکن اصلی اخلاق مطرح اند، نه قوانین الزام آور بیرونی. این نگرش، فاصله ای بنیادین با اخلاق سکولار دارد که به عمل و پیامدهای بیرونی بسنده می کند و وابسته به نهادهای حقوقی و ساختارهای قدرت است. از منظر علامه طباطبائی،

سرچشمه اصلی ضعف قانون که سبب رخنه و فساد در جامعه می‌شود، توجه به مادیات و بی‌توجهی به معنویات و غرایز دیگر است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱). دین با سوق دادن توجه انسان به زندگی محدود دنیوی و حیات جاویدان اخروی سبب عملی شدن مقررات اجتماعی می‌شود (قاسمی خویی و خسروپناه، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳).

۴-۶. نقد مفهوم «انسان» به‌مثابه ظرف و بازخوانی هستی‌شناسی انسان

مفهوم «انسان به‌مثابه ظرف» تلاش می‌کند تا انسان را نه به‌مثابه موجودی منفعل، بلکه در نسبت با «دیگری» و به‌مثابه موجودی تاریخی و اجتماعی بازتعریف کند. از این منظر، «انسان همواره خودش را در چارچوب شرایط فرهنگی بازتولید می‌کند؛ یعنی از طریق نوعی فرایند خودسازی، خودش را شکل می‌دهد» (هاو، ۱۳۸۷، ص ۱۵). در این نگاه، قوانین و هنجارهای اجتماعی حاصل تعاملات تدریجی انسان‌ها با یکدیگر هستند، نه ساختارهایی تحمیلی از بیرون. بنابراین انسان در روند تربیت و پرورش خویشتن، هم قانون‌گذار است و هم تابع قوانین برخاسته از متن زندگی اجتماعی خود. این فرایند به تدریج سبب شکل‌گیری نظم اجتماعی می‌شود که خاستگاه درونی دارد.

۵-۶. نسبت حکمرانی و انسان‌سازی در جامعه مهدوی

بر مبنای تحلیل پیش‌گفته، نقش حکمرانی نه تنها به‌مثابه ابزار اعمال قدرت، بلکه به‌مثابه بستر و زمینه‌ساز رشد و تعالی انسانی بازتعریف می‌شود. حکمرانی به‌مثابه فرایندی مشارکتی، باید تعامل میان حاکمیت و مردم را در جهت بهبود قوانین و ساختارهای اجتماعی آسان کند. در این صورت، حکمرانی خود در خدمت انسان‌سازی قرار می‌گیرد و مقدمات تحقق جامعه‌ای مهدوی و ظهور عدالت فراگیر را فراهم می‌سازد. در این الگو، قواعد و قوانین برخاسته از تجربه زیسته انسان‌ها، محملی برای تقویت هویت انسانی و ارتقای اخلاق جمعی خواهند بود.

۶-۶. ضرورت گذار از حاکمیت اخلاقی به حکمرانی اخلاقی

یکی از نکات بنیادین در این بحث، لزوم تمایز گذاری میان مفاهیم «حاکمیت»^۱ و «حکمرانی»^۲ است. حکمرانی مفهومی گسترده تر از دولت و حاکمیت است و ناظر بر سازو کارهای مشارکتی، فرایندهای بین بخشی و تعاملات چندلایه بین نهادهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در تعریفی، حکمرانی به مجموعه ای از تصمیم ها و فرایندهایی گفته می شود که برای بازتاب انتظارات اجتماعی از طریق مدیریت یا رهبری دولت - و با گسترش آن، مطابق با آرمان های دموکراسی لیبرال، خواست «مردم» در حالی که خود حکومت می کنند - اتخاذ می شود (Fasenfest, 2010, p. 771). بر این اساس، برخی از راه حل هایی که در حوزه تربیت و معنویت مطرح می شوند، اگر تنها از منظر حاکمیت قابل تحقق باشند نمی توان آنها را در چارچوب حکمرانی اخلاقی زمینه ساز دسته بندی کرد.

۶-۷. معنویت، تسلیم و حق پذیری و آمادگی برای عصر ظهور

از دیگر مؤلفه های مغفول در بحث حکمرانی معنوی، مسئله «تسلیم و حق پذیری» است. بر اساس روایات، حتی نخبگان و یاران خاص در مواجهه با دعوت امام معصوم دچار تردید و گریز می شوند. در روایتی از غربال شدن مکرر و پدید آمدن مؤمنان واقعی و خالص در این زمان خبر می دهد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۳۹). این مسئله اهمیت پرورش روحیه تسلیم در برابر حق را به مثابه یکی از پیش نیازهای جامعه منتظر نمایان می کند. تسلیم در برابر حق در اینجا نه به معنای انفعال، بلکه به مثابه پذیرش فعالانه حقیقت و آمادگی برای مشارکت در نظام اخلاقی - معنوی آینده تعبیر می شود؛ از این رو حکمرانی زمینه ساز باید بسترهای تربیتی، معرفتی و معنوی لازم برای تحقق این آمادگی را در لایه های مختلف اجتماعی فراهم کند.

-
1. governing
 2. governance

۶-۸. ضرورت مشارکت عمومی در نظام حکمرانی

در نهایت تأکید بر این نکته ضروری است که حکمرانی تنها محدود به ساختارهای رسمی و دولتی نیست، بلکه مشارکت همه نهادهای اجتماعی، گروه‌های صنفی، و حتی افراد عادی در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا نقشی کلیدی دارد؛ برای مثال در نظام کشاورزی، تعامل و مسئولیت‌پذیری زارعان، رانندگان، تجار و دیگر کنش‌گران ذی‌ربط، در کنار تعاونی‌های روستایی و در نهایت، دستگاه‌های رسمی، ضامن تحقق حکمرانی مطلوب و تحقق عدالت اجتماعی خواهد بود. این مشارکت همه‌جانبه، از سویی، ماهیت تعاملی حکمرانی را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، سبب ایجاد احساس مسئولیت درونی در کنش‌گران اجتماعی می‌شود که بنیان اخلاق معنویت‌پایه نیز بر آن استوار است.

نتیجه‌گیری

مناسبات حکمرانی اخلاقی و حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه شیعی، رابطه‌ای دیالکتیکی و هم‌افزا دارند. این دو نه تنها در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه به‌مثابه دو بال پروژه تمدن‌سازی مهدوی عمل می‌کنند که در پرتو تربیت توحیدی و تقویت هویت شیعی معنا می‌یابد. حکمرانی اخلاقی به‌مثابه بستر و زیرساخت لازم برای حکمرانی زمینه‌ساز عمل می‌کند. بدون تحقق اخلاق در سطوح مختلف حکمرانی نمی‌توان به زمینه‌سازی پایدار و عمیق برای ظهور اندیشید. از سوی دیگر، حکمرانی زمینه‌ساز با ایجاد بسترهای عینی و اجتماعی لازم، فضایی مساعد برای نهادینه‌شدن هرچه بیشتر اخلاق در جامعه فراهم می‌آورد. این رابطه متقابل نشان‌دهنده آن است که این دو مفهوم در یک چرخه سودمند اقرار دارند که یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند.

تربیت توحیدی به‌مثابه محور اصلی این مناسبات، حلقه اتصال این دو نوع حکمرانی است. تربیتی که بر اساس توحید نظری و عملی استوار باشد، هم شهروندانی اخلاقی

1. A virtuous cycle

پرورش می‌دهد و هم زمینه‌سازانی آگاه و مسئولیت‌پذیر برای تحقق جامعه مهدوی تربیت می‌کند. در این میان، هویت شیعی به‌مثابه شناخته‌شده‌ی متمایز این پروژه، بر برجستگی جایگاه شاکله اخلاقی فرد شیعه راستین، وی را از منظر شخصیتی، آماده ایفای نقش زمینه‌سازی ظهور می‌کند. تلفیق حکمرانی اخلاقی و حکمرانی زمینه‌ساز در پرتو تربیت توحیدی و هویت شیعی، نه تنها زمینه‌ساز ظهور است، بلکه خود تجلی‌بخش جامعه‌ای توحیدی و عادلانه در عصر غیبت است. تحقق این امر نیازمند عزمی ملی و همتی جمعی است. بلوغ فرهنگی جامعه شرط ضروری دیگری برای تحقق این الگوی حکمرانی است؛ بلوغی که در پرتو آن جامعه توانایی و آمادگی لازم برای پذیرش حکومت جهانی حضرت حجت (عجلت الله تعالی فرجه‌ه) را پیدا می‌کند. در این مسیر، عملکردهای حکومتی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که مردم را در آستانه ظهور قرار دهند و حاکمان بتوانند الگویی کوچک اما واقعی از عدالت مهدوی ارائه دهند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای برای پژوهش‌های آتی

از آنجا که این پژوهش از جمله پژوهش‌های پیش‌گام در زمینه تبیین نظری حکمرانی اخلاقی و حکمرانی زمینه‌ساز ظهور است، دارای برخی محدودیت‌های روشی و عملی است. این پژوهش با رویکردی نظری و با روش اسنادی - تحلیلی انجام شده است. بنابراین فاقد داده‌های میدانی و آزمون عملی برای سنجش کارآمدی الگوی پیشنهادی در عرصه‌های واقعی حکمرانی است؛ برای مثال مفاهیم کلیدی پژوهش مانند «تربیت توحیدی»، «هویت شیعی» و «حکمرانی زمینه‌ساز»، از جمله مفاهیم کیفی و چندبعدی هستند که اندازه‌گیری و سنجش عینی آنها در مرحله عملیاتی ضروری است. این پژوهش تنها نقشه راهی نظری برای پیاده‌سازی حکمرانی اخلاقی و زمینه‌ساز است.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های میدانی و کیفی (مانند مطالعه موردی، مصاحبه با خبرگان و پیمایش) برای آزمون و ارزیابی کارآمدی مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی در نهادهای اجرایی و فرهنگی طراحی و اجرا کرد. بدیهی است می‌توان با عملیاتی‌سازی مفاهیم و تدوین شاخص‌های کمی و کیفی برای اندازه‌گیری میزان تحقق

«حکمرانی اخلاقی» و «حکمرانی زمینه ساز» در سطوح خرد، میانی و کلان جامعه، زمینه را برای تحقق عینی تر یافته‌های این پژوهش فراهم کرد.

پیشنهاد دیگر مطالعه و مقایسه تطبیقی مفاهیم و ایده‌های این پژوهش با دیگر نظریه‌های حکمرانی (مانند حکمرانی خوب، حکمرانی مشارکتی) در دیگر جوامع اسلامی و غیراسلامی برای شناسایی نقاط قوت، ضعف و امکان‌های بهبود آن است. همچنین می‌توان به شناسایی و تحلیل موانع ساختاری، فرهنگی و سیاسی پیش‌روی اجرای این الگوی حکمرانی و ارائه راهکارهای عملی برای رفع آنها اهتمام ورزید. این قبیل پیشنهادها می‌توانند به توسعه و تعمیق ادبیات پژوهش کمک کند و گامی در جهت تبدیل این الگوی نظری به یک برنامه عملی مؤثر در راستای زمینه‌سازی برای ظهور باشد.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن آبراهم الاحسائی. (۱۴۰۳ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة (ج ۱). قم: مطبعه سیدالشهدا علیه السلام.

ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۴۰۶ق). صفات الشیعه. تهران: اعلمی.

ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۳، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۳۸۲). کمال الدین و تمام النعمه (ج ۱). قم: مسجد مقدس جمکران.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۹۰). مقدمه ابن خلدون (مترجم: محمد پروین گنابادی، ج ۲). نشر الکترونیک کتابناک.

ابن سینا، ابوعلی حسین. (۱۳۷۹). النجاه من الغرق فی البحر الضلالت (با ویرایش و مقدمه محمد تقی دانش پژوه، چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.

بیهقی، احمد بن حسین. (بی تا). السنن الكبرى (سنن بیهقی) (ج ۱۰). بیروت: دارالفکر.

حاجی بابایی، فاطمه؛ چراغی، محمدعلی؛ و جولایی، سودابه. (۱۴۰۲). کمیته های اخلاق بیمارستانی. دایره المعارف اخلاق پزشکی اسلامی، ۱(۱)، صص ۱-۱۳.

حرانی، حسن بن علی (ابن شعبه). (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله (ج ۱). قم: انتشارات اسلامی.

حراغی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه (ج ۱۱، ۲۷). قم: مؤسسه آل البيت.

حسین پور تنکابنی، رسول؛ مسعودی، جهانگیر. (۱۴۰۲). مطالعه پایه‌ها و شناسایی نشانه‌های حکمرانی اخلاقی در علم مدنی و رویکرد اجتماعی فرهنگی فارابی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۶(۴)، صص ۵۱-۷۷.

<https://doi.org/10.22035/jicr.2024.3230.3521>

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۸/۰۱/۱۶). بیانات در دیدار کارگزاران نظام قابل دسترس در:

<https://b2n.ir/un9712>

صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. راهبرد فرهنگ، ۸(۲۹)، صص ۶۱-۹۱.

طباطبایی، سید محمدحسین. (بی تا). فزاهایی از اسلام (تنظیم مهدی آیت‌اللهی). تهران: جهان آرا.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان (مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱ و ۱۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). الاحتجاج (ج ۲). مشهد: نشر مرتضی.

طوسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (با مقدمه محمدجواد بلاغی، ج ۱۰، چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دارالثقافة.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۷۵). شرح الاشارات و التنبیها (ج ۴). قم: نشر البلاغه.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). کتاب الغیبة (ج ۱۱). قم: دار المعارف الاسلامیه.

علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۳). جنسیت در تربیت اسلامی. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، (۸)، صص ۵۹-۹۲.

قاسمی خویی، یعقوب؛ خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۲). نسبت اخلاق دینی و اخلاق سکولار از منظر علامه طباطبایی. پژوهش‌نامه اخلاق، ۶(۲۲)،

صص ۱۹۳-۲۲۲.

قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج ابوالحسن. (۲۰۱۹م). المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (ج ۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 قوام‌السنه، اسماعیل بن محمد. (بی تا). الترغیب و الترهیب (ج ۳). قاهره: دارالحدیث.
 کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 گنج‌خانی، احمد. (۱۴۰۳). الگوی مطلوب جامعه منتظر و زمینه‌ساز از منظر امام خامنه‌ای. مطالعات اعتقادی سیاسی، ۲(۴)، صص ۱۵۰-۱۶۳.

<https://doi.org/10.22034/saas.2025.212980>

لاهیجی، عبدالرزاق بن علی. (۱۳۸۳). گوهر مراد. تهران: نشر سایه.
 مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۳۳، ۵۲ و ۷۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۳). منتخب میزان الحکمة (مترجم: حمیدرضا شیخی). قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
 مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن) (محقق و بازنگری: امیررضا اشرفی). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
 مطهری، مرتضی. (بی تا). گفتارهای معنوی (ج ۱). تهران: صدرا.
 مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار (ج ۲۳). تهران: نشر صدرا.
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن (ج ۱). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی. تهران: صدوق.
 نووی، یحیی بن شرف. (۱۴۰۵ق). ریاض الصالحین، تصحیح شعیب الارنوط (چاپ پنجم). بیروت: مؤسسه الرساله.

هاو، ال. ای. (۱۳۸۷). یورگن هابرماس (مترجم: جمال محمدی). تهران: گام نو.

Fasensfest, D. (2010). Government, Governing, and Governance, *Critical Sociology* 36(6), pp. 771-774. <https://doi.org/10.1177/0896920610380740>

Fukuyama, F. (2016). Governance: What Do We Know, and How Do We Know It? *The Annual Review of Political Science*, (19), pp. 6.1-6.17. <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-061515-054353>.

- Graham, J., Amos, B., & Plumptre, T. (2003). *Governance Principles for Protected Areas in the 21st Century: A Discussion Paper*. Ottawa: Institute of Governance/Parks Canada/Canadian International Development Agency.
- Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*. CA: Sage.
- Lipner, J. (2019). The Truth of Dharma and the Dharma of Truth: Reflections on Hinduism as a Dharmic Faith. *International Journal of Hindu Studies*, (23), pp. 213–23. <https://doi.org/10.1163/15685276-12340136>
- MacIntyre, A. (2007). *After Virtue*. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- Scott, J., & Marshall, G. (2015). *A Supplementary Dictionary of Social Research Methods*. Oxford University Press.
- United Nations Development Programme. (2000). *Characteristics of Good Governance*. New York, NY: United Nations Development Programme.

